

مقاله علمی پژوهشی

دعوی متقابل اجباری در حقوق ایران و آمریکا

ایوب منصوری رضی^{۱*}، محمد حیدری^۲

۱. دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱)

Compulsory Counterclaim in Iranian and the U.S Law.

Ayyoub Mansouri Razi^{1*}, Mohammad Heidari²

1. Ph.D. in Private Law, Tehran University, Tehran, Iran

2. Ph.D. in Private Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

(Received: 21/Nov/2018

Accepted: 22/May/2022)

Abstract

In U.S there are two types of counterclaim: compulsory and permissive. In the first one the defendant must submit all the claims arisen out of the transaction or occurrence that is the subject matter of the claimant's claim as counterclaim otherwise his claims would be the subject of res judicata. In Iran by the wording of the article 141 of Civil Procedure submitting the claims arisen out of the same occurrence or transaction or the claims that have complete connection with the main claim as a counterclaim is permissive. Most of commentators view the expression "the same cause" in aforementioned article as unnecessary and useless. Since the reason for consolidation of claims is to avoid conflicting decisions on the same matter and there might be claims arisen out of the same occurrence or transaction still have no connection together. But it seems that above-mentioned expression has an important function. Because making decision on every claim is a consequence of the decision about the occurrence and transaction of which the claim is arisen out. So if claims arisen out of the same occurrence or transaction are submitted in separate cases, that might lead to conflicting decisions. So these type of counterclaims should also be compulsory in Iran.

Key Words: Compulsory Counterclaim, Res Judicata, The Same Cause, Conflicting Decisions, Claim.

چکیده

در آمریکا دعوی متقابل به دو گونه اجباری و اختیاری است. در نوع اول خواننده باید تمامی دعوی ناشی از منشأ دعوی اصلی را در قالب دعوی متقابل مطرح کند وگرنه به جهت قاعده اعتبار امر مختومه پذیرفته نمی-شوند. در ایران وفق ظاهر ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی اقامه دعوی متقابل ناشی از منشأ دعوی اصلی یا دارای ارتباط کامل با آن برای خواننده اختیاری است. غالب حقوقدانان قید وحدت منشأ مندرج در ماده مزبور را زائد و بی‌فایده دانسته‌اند؛ چراکه دلیل ادغام دعوی احتراز از صدور آرای متعارض است و ممکن است دعوی ناشی از منشأ واحد باشند، اما ارتباط کاملی میان آنها موجود نباشد و طرح آنها به نحو مستقل منتهی به صدور آرای متعارض نشود، اما به نظر می‌رسد که استفاده از این قید عبث و دور از حکمت نیست؛ زیرا اتخاذ تصمیم در هر دعوا تابع تعیین تکلیف در خصوص واقعه یا عمل حقوقی منشأ آن است و پس از تعیین وضعیت حقوقی منشأ دعوا، تمامی دعوی ناشی از آن از وضعیت مذکور تبعیت می‌نمایند و اگر دعوی ناشی از منشأ واحد به نحو مستقل طرح شوند، چه بسا تصمیمات متعارضی درخصوص آن منشأ واحد صادر شوند. بنابراین، طرح دعوی متقابل ناشی از منشأ واحد در حقوق ایران نیز اجباری است.

کلیدواژه‌ها: دعوی متقابل اجباری، اعتبار امر مختومه، وحدت منشأ، آرای متعارض، دعوا.

مقدمه

است که اتخاذ تصمیم راجع به منشأ هر دعوا بر تمامی دعوای ناشی از آن اثر خواهد داشت.

هر چند در حال حاضر در رویه دادگاه‌ها اگر دعوایی که با دعوای اصلی منشأ واحدی دارد، در قالب دعوای متقابل طرح نشود، در آینده به عنوان دعوای مرتبط و یا مستقل قابل طرح است، اما نمی‌توان منکر فایده اجباری بودن طرح آن در قالب دعوای متقابل شد. در حال حاضر از آنجا که دادگاه‌ها الزامی به تبعیت از تصمیمات متخذه از سوی دادگاه‌های دیگر ندارند و از طرفی طرح دعوای با منشأ واحد در یک دادرسی اجباری نیست و طرح آنها در آینده مواجه با ایراد اعتبار امر مختومه نمی‌باشد؛ امکان صدور آرای متناقض از سوی محاکم نسبت به یک موضوع وجود دارد. به عنوان مثال چنانچه در دعوای اول حکمی متضمن صحت قرارداد منشأ دعوا صادر شود و در آینده دعوای دیگری ناشی از همان قرارداد اما - به تعبیر حقوقدانانی که قید منشأ واحد را بیهوده می‌دانند - غیرمرتبط با دعوای اول طرح شود و دادگاه تصمیمی با عقیده بر بطلان قرارداد منشأ اتخاذ نماید، تناقض این آراء مسلم است. مهم‌تر آنکه حتی اگر مطابق رویه کنونی دادگاه‌ها طرح دعوای با منشأ واحد در آینده و در قالبی جز دعوای متقابل از جنبه شکلی محض مواجه با اشکالی نباشد، اما اثر تصمیم متخذه در دعوای قبلی که با دعوای مذکور منشأ واحدی دارند، بر آن انکارناپذیر است.

در این مقاله پس از معرفی دعوای متقابل در حقوق ایران مبنای اجباری بودن دعوای متقابلی که موضوع آن ناشی از همان سبب دعوای اصلی است در حقوق آمریکا و علت جریان قاعده اعتبار امر مختومه در آن مورد بررسی خواهد گرفت و سپس با کاوش در مبانی حاکم بر دعوای متقابل و نظرات مختلف در خصوص دعوای ناشی از منشأ واحد، در نهایت امکان طرح و شناسایی دعوای متقابل اجباری در حقوق ایران مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

دعوای متقابل در حقوق ایران

بر اساس ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ «خواننده می‌تواند در مقابل ادعای خواهان، اقامه دعوا نماید. چنین دعوایی در صورتی که با دعوای اصلی ناشی از یک منشأ بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوای متقابل نامیده شده ...».

تعاریف حقوقدانان از دعوای متقابل یکسان نیست. در تعریفی با عنوان «دعوایی است که در مقابل دعوی دیگری (که دعوی اصلی نام دارد) طرح شده باشد و با دعوی اصلی ناشی از

در دعوای حقوقی طرح دعوای متقابل یکی از شیوه‌های دفاعی پرکاربرد در اکثر نظام‌های حقوقی است. در حال حاضر نظر به گسترش روابط حقوقی میان اشخاص از کشورهای مختلف، کاربرد این گونه از دعوا محدود به دادرسی‌های ملی نیست، بلکه در دعوای فراملی نیز مطرح و پذیرفته می‌شود.^۱

در حقوق آمریکا بر اساس ماده (b) ۱۳ آیین دادرسی فدرال^۲، خواننده می‌تواند هر شخصی را که دادگاه نسبت به وی صلاحیت دارد را با رعایت سایر شرایط لازم به عنوان خواننده دعوای متقابل خود قرار دهد. در حقوق آمریکا دعوای متقابل به دو گونه اجباری و اختیاری تقسیم شده است. طبق ماده ۱۳(a) آیین دادرسی مدنی فدرال این کشور، در صورتی که خواننده در هنگام دفاع حقی برای خود قائل باشد و خواسته او نیز ناشی از همان منشأ دعوای خواهان اصلی باشد، در هنگام دفاع باید دعوای متقابل مطرح و در همان پرونده مورد رسیدگی قرار گیرد در غیر این صورت حق اقامه آن را در آینده به سبب جریان قاعده اعتبار امر قضاوت شده از دست خواهد داد. مقنن ایران چه در قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ و چه در قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹، تقسیم‌بندی فوق را تصریح نکرده است و اقامه دعوای متقابل جزو حقوق خواننده تلقی شده است که اجباری در طرح آن ندارد. از سوی دیگر، برخی از حقوقدانان نه تنها طرح دعوایی که موضوع آن ناشی از منشأ دعوای اصلی است را در قالب دعوای متقابل لازم نمی‌بینند، بلکه حتی آمدن قید «منشأ واحد» در ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی را در کنار قید «ارتباط کامل» بی‌جهت می‌دانند (واحدی، ۱۳۷۰: ۲۱-۶؛ غمامی، ۱۳۸۳: ۲۴۴-۲۲۵)، اما از نظر نگارندگان قید منشأ واحد در ماده ۱۴۱ را نمی‌توان بیهوده و بی‌اثر برشمرد، بلکه اشاره به آن در مقررات قانون آیین دادرسی مدنی از جمله مواد ۹۸ و ۱۴۱ از جهت اهمیت آن نسبت به دیگر اسباب ایجاد ارتباط کامل میان دعوای است. رابطه میان وحدت منشأ و ارتباط کامل را می‌توان عموم و خصوص مطلق دانست: تمامی دعوای ناشی از منشأ واحد دارای ارتباط کامل هستند، اما برخی دعوای دارای ارتباط کامل، منشأ واحد ندارند. تأکید بر قید منشأ واحد از آن جهت

1. The American Law Institute (2006). *Principles and Rules of Transnational Civil Procedures*, New York: Cambridge Un Press. P.114.

2. Federal Rules of Civil Procedure

دعوی متقابل، دعوی است اثباتی از سوی خواننده به طرفیت خواهان در پاسخ به ادعایی به طرفیت او (Friedenthal, 1985: 348-349) یا «دعوی متقابل از سوی شخص خواننده به طرفیت خواهان جهت پاسخ به مدعیات خواهان علیه خواننده اقامه می‌شود. (Bilyeu Oakley, 2009: 147 & Segal, et al., 2005: & 95) ملاحظه می‌شود که در هر دو سیستم حقوقی دعوی متقابل طریقی دفاعی محسوب می‌شود (متین دفتری، ۱۳۷۶: ۱۳۳)، هرچند که غالباً ماهیتی اثباتی و تهاجمی دارد. (Campbell Black, 1968: 420; Segal, et al., 2005: Op.cit) در حقوق آمریکا دعوی متقابل به دو گروه اجباری و اختیاری تقسیم می‌شوند. این تقسیم بر اساس وحدت یا تعدد منشأ دعوی اصلی و متقابل است. چنانچه دعوی متقابل ناشی از همان منشأ دعوی اصلی باشد، اقامه آن الزامی است و اگر خواننده در اقامه دعوی متقابل اجباری قصور کند و آن را اقامه ننماید، در آینده امکان طرح آن به صورت مستقل را نخواهد داشت و به همین سبب دعوی تقابل در این حالت متصف به وصف اجباری شده است، اما چنانچه منشأ دعوی اصلی و متقابل متفاوت باشد، خواننده مختار در اقامه دعوی متقابل است و در صورت قصور خواننده اصلی در اقامه دعوا به صورت متقابل، اقامه آن به صورت مستقل نیز ممکن است. (Emanuel & Lazar, 2008: 99; Riano, 2005: 365; McFarland, 2007: 699-732; Bilyeu, Vikram, 2009: Op.cit: 148.; Segal, et al, 2005: Op .cit: 96 & Canby Jr, 2015: 215 در ادامه شرایط و آثار اجباری شدن طرح دعوی تقابل در حقوق آمریکا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

دعوی متقابل اجباری در حقوق آمریکا

همان‌گونه که گفته شد در صورتی که خواننده دعوی اصلی، ادعایی در مقابل خواهان اصلی داشته باشد که ناشی از منشأ دعوی اصلی باشد، مکلف است این دعوا را به عنوان دعوی متقابل طرح نماید والا دعوی وی در آینده مستقلاً پذیرفته نمی‌شود و مشمول قاعده اعتبار امر مختومه خواهد شد. به عنوان مثال اگر دعوی خواهان اصلی به طرفیت خواننده مطالبه خسارات ناشی از تصادفی باشد و خواننده نیز در مقابل مدعی باشد که مقصر حادثه خود خواهان بوده است و قصد اقامه دعوا به طرفیت او برای مطالبه خسارات را داشته باشد، باید خواسته خود را به عنوان دعوی متقابل اقامه نماید، در غیر این صورت در آینده فرصت اقامه آن را به صورت مستقل نخواهد داشت.

یک منشأ باشند یا ارتباط کامل داشته باشند و علاوه بر این از قبیل دعوی صلح، تهاجر و فسخ و رد خواسته که برای دفاع از دعوی اصلی اظهار می‌شود، نباشند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳۰۰)، معرفی شده است و در تعریفی دیگر آمده است: «دعوی که مدعی علیه در مقابل دعوی خواهان اقامه می‌کند، به منظور پاسخگویی به آن و یا علاوه بر پاسخگویی، الزام خواهان به پرداخت چیزی و یا انجام کاری». (واحدی، ۱۳۷۰: ۲۱-۶) در جایی دیگر به عنوان «دعوی که خواننده تحت شرایطی می‌تواند در مقابل دعوی خواهان به منظور کاهش محکومیتی که او را تهدید می‌کند، جلوگیری کلی از این محکومیت و یا حتی تحصیل حکم محکومیت خواهان اصلی به دادن امتیاز، علیه اول اقامه نماید»، تعریف شده است. (شمس، ۱۳۸۶: ۴۷۵)

همان‌گونه که در تعاریف ارائه شده از سوی حقوقدانان نیز مشهود است، منشأ اختلاف در تعاریف این است که دعوی از قبیل صلح، فسخ، تهاجر و امثالهم را صرف دفاع می‌دانند و آنها را مصداق دعوی متقابل به حساب نمی‌آورند، اما باید با گروهی همراه شد که معتقدند ممکن است هدف از طرح دعوی متقابل صرفاً رد خواسته خواهان باشد. به عنوان مثال اگر موضوع خواسته دعوی اصلی الزام خواننده به تسلیم مبیع باشد و در مقابل، خواسته دعوی متقابل اعلام فسخ معامله به جهت تأخیر در پرداخت ثمن باشد، پیروزی خواننده اصلی تعهدی را برای خواهان ایجاد نمی‌کند (غمامی، ۱۳۸۳: ۲۴۴-۲۲۵)؛ زیرا اگرچه مواد ۱۸ و ۱۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی طرح عناوینی همچون صلح، تهاجر، فسخ، احتساب رد خواسته و امثالهم در مقابل ادعای خواهان اصلی را مستلزم تقدیم دادخواست ندانسته‌اند، لیکن این مقررات صرفاً الزام را نفی کرده‌اند، ولی منعی برای اقامه دعوی متقابل ایجاد نکرده‌اند و بنابراین خواننده می‌تواند در این موارد نیز اقامه دعوی متقابل نماید. مضافاً اینکه بر اقامه چنین دعوی‌ای این فایده مترتب است که در فرض توقف رسیدگی به دعوی اصلی به یکی از عناوین قانونی از جمله استرداد دعوا از سوی خواهان، خواننده اصلی می‌تواند با تعقیب دعوی متقابل خود، قلع ماده نزاع نماید. بر همین اساس تقسیمی برای دعوی متقابل به دو گونه ساده و دوگانه ارائه شده است. نوع ساده فقط دفاع است، اما در دعوی متقابل دوگانه خواننده علاوه بر دفاع در برابر خواسته اصلی، ادعای دیگری نیز دارد و دفاع و ادعا توأمان اقامه می‌شود. (محبی و آذری، ۱۳۹۵: ۵۲-۳۱)

دعوی متقابل در حقوق آمریکا

حقوقدانان آمریکایی نیز این دعوا را بدین‌گونه تعریف کرده‌اند:

با حقوق ایران و شناخت مبنای دقیق این گونه دعوی و مقررات در آمریکا نیازمند بررسی سیر تحول مقررات مربوطه با توجه به جمیع جهات آن است. ماده ۱۳(a) آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا جایگزین ماده ۳۰ قانون انصاف شده است. (Campbell, 1968: 420) در گذشته در کامن‌لا محدودیت‌هایی برای پذیرش دعوای متقابل مطرح بود از جمله اینکه فقط در قالب دفاع با عنوان تهاثر بین دیون مقطوع ناشی از قرارداد واحد و یا ناشی از احکام ممکن بود. این رویه به سود خواهانی بود که دادرسی را آغاز می‌کرد. (Clermont, 1745-1760: 2004) این گونه محدودیت‌ها در قانون انصاف نیز به چشم می‌خورد. به عنوان مثال در مقررات انصاف ۱۹۱۲ آمریکا دعوای متقابل تنها در صورتی که از معامله موضوع دعوای اصلی ناشی می‌شدند، قابل پذیرش بودند. مضافاً اینکه دعوای متقابل مبتنی بر قواعد انصاف تنها در برابر دعوای اصلی مبتنی بر انصاف قابل طرح بودند. بنابراین در برابر دعوایی ناشی از حقوق نوشته، دعوای متقابلی بر پایه قواعد انصاف شنیده نمی‌شد. (Friedenthal, J. et.al, 1985: 348-349) از سوی دیگر، در قانون انصاف تنها دفاع تقابلی در قالب تهاثر^۵ یا تقاص^۶ جایز بود، در حالی که دعوای متقابل در مفهوم کنونی خود در ماده ۱۳ آیین دادرسی مدنی فدرال اعم از این دو مفهوم است. (Campbell Black, 1968: 420)

قوانین قدیمی راجع به آیین دادرسی مدنی در آمریکا موسوم به قانون ممنوعیت^۷ اقامه دعوای متقابل را اصولاً غیراجباری برمی‌شمردند. این نظر در بخش ۲۲ دومین محشای احکام^۸ نیز آمده است. توجیه این نظر این است که خواننده نباید به اقامه دعوای در محکمه منتخب خواهان مجبور باشد. برابر این مقررات، ممنوعیت فقط در مواردی ایجاد می‌شود که خواننده در برابر دعوای خواهان دفاعی کند و موضوع دعوای مؤخر وی نیز همان مسئله‌ای باشد که در دفاع مطرح کرده است. (Friedenthal, et.al, 1985: 348-349) به عنوان مثال اگر پزشکی برای دستمزد خود در برابر بیمار اقامه دعوای نماید و بیمار پاسخ دهد که خدمات پزشکی همراه با قصور بوده است، ولی در نهایت خواهان حاکم شود، بیمار در آینده نیز از اقامه دعوای بر مبنای تقصیر پزشک ممنوع می‌شود. (Ibid)

(Bilyeu Oakley & Vikram, 2009: Op.cit.) به طور کلی این گونه دعوای در هر معامله یا واقعه حقوقی که طرفین نسبت به یکدیگر مدعی باشند، کاربرد دارد.^۱ در خصوص مبنای عدم پذیرش دعوای متقابل اجباری به صورت مستقل در آینده نظریات مختلفی در حقوق آمریکا دیده می‌شود. نویسندگان آمریکایی تسریع در رسیدگی به مناقشات میان طرفین و انگیزه‌های اقتصادی را از مبنای دعوای متقابل برشمرده‌اند. (Friedenthal, J. et.al., 1985: Op.cit.) (348-349) برخی دادگاه‌ها نیز در آرای خود مبنای اجباری بودن دعوای تقابل را قاعده اعتبار امر مختومه^۲ دانسته‌اند و برخی دیگر این موضوع را براساس اعراض حق^۳ از سوی خواهان متقابل یا نظریه استاپل^۴ توجیه کرده‌اند. (Riano, 1745-1760: 2004 & Clermont, 2005: 365) تحلیل اخیر امکان طرح دعوای متقابل اجباری را به صورت مستقل در صورتی که عدم اقامه دعوای متقابل اجباری از سوی خواهان، آگاهانه و عامدانه نباشد را توجیه می‌کند. هر سه نظر مبتنی بر ضرورت احتراز از صدور احکام متناقض هستند که یکی از اصول مهم دادرسی است (غمامی، ۱۳۸۳: ۲۴۴-۲۲۵) که از طریق ایجاد ثبات و استحکام آرای دادگاه‌ها موجب اطمینان به سیستم قضایی کشور و تبعاً برقراری نظم در جامعه می‌شود.

۱. تحول مقررات دعوای متقابل اجباری در حقوق آمریکا

تطبیق مقررات مربوط به دعوای متقابل اجباری در حقوق آمریکا

۱. مثال دیگری که ارائه شده است این است که اگر فردی به نام جونز در حال پیمودن پله‌های ساختمانی که از اسمیت اجاره کرده است، سقوط کند و آسیب ببیند. معماری این ساختمان را فردی به نام گرین انجام داده است. اقامه دعوای متعددی از این حادثه محتمل است: جونز ادعا می‌کند که اسمیت مقصر است، چون به درستی پله‌ها را حفظ نکرده است و گرین نیز از جهت طراحی پله‌ها مقصر است. در مقابل ممکن است اسمیت به طرفیت جونز مدعی شود که در هنگام پیمودن پله‌ها بی‌احتیاطی کرده و کالاهای زیادی را حمل می‌کرده و در اثر این بی‌احتیاطی و سقوط کالاها، ساختمان وی آسیب دیده است. همچنین دعوایی نیز ممکن است از سوی نامبردگان به طرفیت گرین مطرح شود که باید همگی همزمان و در یک پرونده رسیدگی شوند. بنگرید به:

Richardson, E; Milton, R.(1998). Civil Litigation for Paralegals. (2nd ed). New York: West Publishing, The United State of America.

2. Res judicata
3. Waiver
4. Estoppel

5. Set-off

6. Recoupment

7. Preclusion Law

8. Second Restatement of Judgments

دعوی برگزیند. (Peterson, 2008: 1107 – 1146) قوانین مذکور بر دو پایه استوار بود: اول اینکه خواهان حق ندارد راه حل دعوی خود را موجب فصل همه دعوی خوانده علیه خودش نیز بداند و دوم اینکه اختیار خوانده در اقامه دعوا در محکمه مورد نظر خود به حدی معتنا به است که هم بر رضایت خواهان و هم بر کارآمدی سیستم قضایی برتری جوید.

۲. شرایط دعوی متقابل اجباری در حقوق آمریکا

علاوه بر اینکه وحدت منشأ با دعوی اصلی برای اجباری شدن اقامه دعوی متقابل شرط است، چهار شرط دیگر نیز لازم دانسته شده است (Lazar, 2008: 364; Riano, 2005: 360) که عبارت‌اند از اینکه اولاً دعوی متقابل باید در زمان اقامه فعلیت داشته باشد. ثانیاً رسیدگی به دعوی متقابل مستلزم وجود اشخاص دیگری در دعوا نباشد که دادگاه نسبت به آنها صلاحیت ندارد. ثالثاً موضوع دعوی متقابل در پرونده دیگری در جریان رسیدگی نباشد. رابعاً دعوی خواهان تنها با ادعای صلاحیت نسبت به مال خوانده اقامه نشده باشد، بلکه ادعای صلاحیت دادگاه نسبت به شخص خوانده هم باشد.^۴

شرایط مذکور از ماده ۱۳ آیین دادرسی فدرال آمریکا به دست می‌آیند. (Fletcher, 2005: 507) این ماده مقرر می‌دارد:

«هر دعوی که خوانده در زمان ابلاغ پاسخ او بر علیه طرف مقابل دارد، باید به صورت دعوی متقابل در دفاع مطرح شود؛ در صورتی که این ادعاها [واجد شرایط زیر باشد]:

الف) از همان عمل یا واقعه حقوقی منشأ دعوی طرف مقابل ناشی شود.

ب) مستلزم افزودن شخص دیگری نباشد که دادگاه نسبت به آن شخص صلاحیت نداشته باشد...».

بنابراین اصولاً اقامه دعوی ناشی از همان منشأ دعوی اصلی با رعایت شرایط فوق باید در همان دعوی اصلی صورت گیرد، اما در مواردی این اصل مواجه با استثنائاتی شده است.

دعوی گیتس به طرفیت پرستون^۱، دیوان عالی نیویورک دعوی بیمار به طرفیت پزشک را مبنی بر مطالبه خسارت به جهت نقص در خدمات نپذیرفت، چون پیش از آن پزشک به طرفیت بیمار در خصوص مطالبه ۶/۵۸ دلار اقامه دعوا نموده بود و پذیرش دعوی بیمار ملازمه با بی‌حقی پزشک در اخذ دستمزد داشت. (Clermont, 2004: 1745-1760) در محشاهای اول و دوم احکام نیز دعوی متقابل در صورتی اجباری دانسته شده که عدم اقامه آنها به عنوان دعوی متقابل و اقامه آن به صورت مستقل باعث شود که حکم دعوی اول که در رسیدگی به دعوی خواهان اصلی صادر شده است، بی اثر شود. (Peterson, 2008: 1107 – 1146)

در پرونده دعوی شرکت مرکوید به طرفیت شرکت میدکانتیننت اینوستمنت^۲ دعوا در خصوص نقض گواهی اختراع بود. خواهان ابتدا دعوی به طرفیت اسمیت^۳ مطرح کرده بود و مدعی نقض گواهی اختراع خود شده بود. اسمیت از جمله مشتریان مرکوید بود و در دعوا از مشتری خود حمایت و دفاع کرد. پس از عدم توفیق در دعوا میدکانتیننت مجدداً دعوی به طرفیت مرکوید مطرح کرد و نقض گواهی اختراع خود را ادعا کرد. مرکوید متقابلاً دعوی خسارت مطرح کرد و این مسئله بروز کرد که آیا دعوی متقابل مرکوید به جهت دفاع وی در پرونده سابق در حمایت از اسمیت، مشمول اعتبار امر مختوم است یا خیر. دیوان عالی ایالات متحده عنوان داشت که هرچند شرکت مرکوید در پرونده کنونی از اقامه هرگونه دفاعی که در دادرسی گذشته طرح کرده، ممنوع است، اما این ممنوعیت شامل اقامه دعوی متقابل او برای خسارات نمی‌شود. دعوی خسارت اعم از دفاع است و سبب جدیدی برای دعواست. این واقعیت که وفق ماده (a) ۱۳ آیین دادرسی مدنی فدرال به عنوان دعوی متقابل در پرونده سابق نیز قابلیت طرح داشته است، باعث جریان قاعده اعتبار امر مختومه نمی‌شود. به عبارتی قاعده امر قضاوت شده فقط بر موضوعاتی حاکم می‌شود که سابقاً بر اساس یافته‌ها و حکم دادگاه مورد رد واقع شده‌اند. رویه دادگاه‌های عالی در ایالت‌های دیگر نیز همین بوده است؛ یعنی اگر خوانده دفاعی مطرح می‌نمود باعث نمی‌شد که از اقامه دعوی جدید مستقل ممنوع شود، چون عدالت اقتضاء دارد که خوانده مجاز باشد محکمه مورد نظر خود را برای اقامه

۴. صلاحیت نسبت به شخص در مقابل صلاحیت نسبت به اصل موضوع قرار دارد. به عبارتی نه تنها دادگاه باید نسبت به موضوع دعوا صالح باشد، بلکه باید نسبت به طرفین نیز به واسطه وقوع اقامتگاه، مال غیرمنقول در حوزه قضایی آن یا سبب دیگری واجد صلاحیت باشد. حقوق ایران از این جهت متفاوت از حقوق آمریکا است؛ زیرا در حقوق ایران دعوی تقابل به عنوان یکی از دعوی طاری مطابق مواد ۱۷ و ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی در دادگاهی اقامه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به دعوی اصلی را دارد، هر چند که اصولاً دادگاه صلاحیت نسبی نداشته باشد.

1. Gates Vs. Preston , 41 N.Y. 113 (1869).
2. Mercoïd Corp. Vs. Mid-Continent Investment Co, 320 U.S. 661 (1944).
3. Smith

ماده مذکور در ادامه مقرر می‌دارد:

استثنائات: در موارد زیر مدعی نیازی به اقامه دعوا ندارد:
الف) اگر در زمان آغاز دادرسی، ادعای او موضوع دعوای جریانی دیگری باشد.

ب) طرف مقابل خواسته خود را از طریق توقیف یا طریق دیگری تعقیب کرده باشد، به گونه‌ای که موجب عدم صلاحیت دادگاه نسبت به شخص خوانده در آن خواسته نباشد و مدعی نیز هیچ دعوای متقابلی در برابر آن اقامه ننموده باشد.

۳. چگونگی تعیین وحدت منشأ در دعوای

مسئله مبهم در زمینه دعوای متقابل اجباری، تشخیص دقیق منشأ واحد است. تشخیص وحدت منشأ به ویژه در قراردادهای مرکب یا مواردی که طرفین چندین قرارداد در رابطه با یک موضوع با هم دارند، اهمیت بیشتری می‌یابد. به عنوان نمونه در دعوای شرکت وستینگ‌هاوس به طرفیت نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران^۱ در دیوان داوری، مرجع داوری دعوای متقابل خواهان اصلی به طرفیت خوانده اصلی را - هر چند که از همان عقد منشأ دعوای خوانده اصلی نبود - در نهایت پذیرفت به این جهت که این دعوا نیز مربوط به معامله میان طرفین بود. (Antonopoulos, 2011: 27)

در این زمینه تعریف ارائه شده از سوی دیوان عالی آمریکا در پرونده مور به طرفیت شرکت نیویورک کاتن اکسچنج^۲ معیار مورد استفاده توسط دادگاه‌های این کشور است. بر اساس نظر دیوان عالی، معامله یا واقعه حقوقی منشأ دو دعوا در صورتی واحد تلقی می‌شود که بدون آن هیچ یک از طرفین جبران خسارت خود را لازم نمی‌دید. موضوعات اساسی ارائه شده از سوی خواهان اصلی باید تا حدودی همان سبب دعوای متقابل باشد، ولی برابری دقیق لازم نیست و اگر دعوای متقابل ادعاهای جدیدی را هم شامل شود، اشکالی ندارد. (Peterson, 2008: 1107 - 1146) معیار، شماری از دادگاه‌ها استانداردهای واقعی‌تری را نیز پیشنهاد کردند. این معیارها در قالب پرسش‌هایی مطرح می‌شود که پاسخ مثبت به هر یک باعث اجباری شدن اقامه دعوای متقابل می‌شود از جمله اینکه اگر خوانده دعوای متقابل اقامه

نمایند، آیا قاعده امر مختومه مانع طرح آن دعوا در آینده می‌شود؟ آیا موضوعات و قوانین مورد مناقشه طرفین در دعوای اصلی و متقابل یکسان هستند؟ به عبارت دیگر، آیا دو دعوا موارد موضوعی و حکمی واحدی دارند؟ آیا دلایل رد یا اثبات هر دو دعوا یکی است؟ آیا ارتباط منطقی میان دعوای اصلی و متقابل وجود دارد؟ (Riano, 2005: 360) پاسخ مثبت به هر کدام از پرسش‌های زیر سبب اجباری شدن دعوای متقابل می‌شود. به عنوان مثال در دعوای بیمه‌گر به خواسته اعلان عدم مسئولیت، ادعای بیمه‌گذار بر اساس بیمه‌نامه مبنی بر الزام بیمه به پرداخت خسارت، یک دعوای متقابل اجباری محسوب می‌شود. در همین دعوا اگر اشخاص آسیب‌دیده به دادرسی جلب شوند، دعوای متقابل ایشان اجباری تلقی نخواهد شد؛ زیرا منشأ واحدی ندارند و دعوای اصلی ناشی از قرارداد بیمه و دعوای آسیب‌دیدگان ناشی از ضمان قهری است. (Peterson, 2008: 1107 - 1146)

دعوای متقابل اجباری در حقوق ایران

در حقوق ایران دعوای متقابل به عنوان یکی از دعوای طاری از جمله طرق دفاعی است که در اختیار خوانده قرار دارد و خوانده در اعمال این اختیار مختار است.^۳ گفته شد که منظور از دعوای متقابل اجباری در حقوق آمریکا آن دعوایی است که در صورتی که در مقابل دعوای اصلی طرح نشود، طرح آن در آینده مواجهه با ایراد اعتبار امر مختومه خواهد شد و فقط ادعاهای ناشی از همان منشأ دعوای اصلی مصداق این بحث هستند. جهت تطبیق این مقررات با حقوق ایران ضرورت دارد که ابتدا مبنا و شرایط دعوای متقابل در حقوق ایران و ارکان اعتبار امر مختومه شناخته شود و در نهایت نتیجه‌گیری شود که آیا در صورت عدم طرح دعوای متقابل در زمان مقرر قانونی، طرح آن در آینده با ایراد امر مختومه مواجه می‌شود یا خیر؟

۳. در مقررات بیشتر کشورها هم تکیه بیشتر بر تجویز یا ممنوعیت دعوای متقابل است، نه اینکه اجباری در آن باشد. به عنوان مثال مواد ۷۰ قانون آیین دادرسی فرانسه، ۲۷۴ آیین دادرسی مدنی پرتغال، ۵۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی اسپانیا، ۳۵۷ قانون آیین دادرسی آرژانتین، ۱۹۰ آیین دادرسی مدنی برزیل، ۲۶۰ آیین دادرسی مدنی مکزیک و ۲۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی یونان فقط به تجویز یا ممنوعیت دعوای متقابل پرداخته‌اند. نگاه کنید به:

Antonopoulos, Constantine (2011). *The Concept of Counterclaim Before the International Court of Justice*, Asser press. Hague, the Netherlands. p 11.

1. See Westinghouse Electric Corp. and Islamic Republic of Iran Air Force, Award No. 579-389-2 (26 March, 1997), reprinted in 33 IRAN-U.S. C.T.R. 60.

2. Moore Vs. New York Cotton Exchange 270 U.S. 593 (1926).

صدور حکم در یک دعوا مؤثر در دیگری باشد که این همان تعریف ارتباط کامل میان دو دعواست.^۱ از سوی دیگر، در مثال- مثال‌های ارائه‌شده از سوی نویسندگان حقوقی که فقط وحدت منشأ وجود داشته است، بیهودگی این شرط برای دعوی متقابل روشن می‌شود. به عنوان مثال اگر خواهان اصلی دعوی تخلیه از عین مستأجره را مطرح کند و خوانده در مقابل مطالبه هزینه تعمیرات اساسی در عین مستأجره بر اساس شرط ضمن عقد اجاره را اقامه می‌نماید، وحدت منشأ در این دو دعوا موجود، ولی ارتباط کامل مفقود است؛ زیرا صدور حکم در هر کدام اثری در دیگری ندارد و اگر دادگاه حکم به تخلیه صادر کند، الزامی ندارد که دعوی دیگر را نپذیرد. به عبارت دیگر، هر دو دعوا از جهت نفی یا اثبات، اثری بر یکدیگر ندارند و صدور حکم در یکی از دعاوی، دادگاه را مستغنی از اتخاذ تصمیم در دیگری نمی‌کند. همچنین اگر خواسته دعوی اصلی تخلیه عین مستأجره و خواسته دعوی متقابل الزام به انتقال سند به استناد قول‌نامه عادی میان مستأجر و موجر باشد، این دو دعوا به دلیل ارتباط کامل میان آنها متقابل محسوب می‌شوند، هر چند که وحدت منشأ ندارند؛ زیرا اتخاذ تصمیم در یکی دادگاه را مستغنی از تصمیم‌گیری در دیگری می‌نماید.

برخی دیگر از حقوقدانان به استناد ظاهر ماده ۱۴۱ که این دو قید را با حرف عطف «یا» به یکدیگر معطوف کرده است، وجود یکی از دو شرط را کافی می‌دانند. (شمس، ۱۳۸۶: ۴۷۰؛ متین‌دفتری، ۱۳۷۶: ۵۵)

۲-۲. تأثیر وحدت منشأ در تحقق قاعده اعتبار امر مختومه

گفته شد که در حقوق آمریکا قاعده اعتبار امر مختومه مبنای اصلی اجباری بودن اقامه دعوی متقابلی است که از همان منشأ دعوی اصلی ناشی می‌شود. پیش از اتخاذ رأی در خصوص اثر قید وحدت منشأ در تحقق اعتبار امر مختومه باید ارکان قاعده مذکور را مورد بررسی قرار داد و تعیین کرد که آیا وجود وحدت منشأ میان دو دعوی اصلی و تقابل موجب تحقق قاعده اعتبار امر مختومه می‌گردد یا خیر؟

در حقوق ایران سه شرط جهت جریان اعتبار امر مختومه لازم دانسته شده است که عبارت‌اند از: وحدت اصحاب دعوا،

۱. مبنا و شرایط پذیرش دعوی متقابل در حقوق ایران

در حقوق ایران دعوی متقابل به جهت رسیدگی توأم با دعوی اصلی و اجتناب از صدور احکام متعارض است. (غمامی، ۱۳۸۳: ۲۴۴-۲۲۵) از شرایط دعوی متقابل این است که میان دعوی اصلی و متقابل ارتباط کامل یا وحدت منشأ وجود داشته باشد. ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «خوانده می‌تواند در مقابل ادعای خواهان، اقامه دعوا نماید. چنین دعوی در صورتی که با دعوی اصلی ناشی از یک منشأ بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوی متقابل نامیده شده و توأماً رسیدگی می‌شود و چنانچه دعوی متقابل نباشد در دادگاه صالح به طور جداگانه رسیدگی خواهد شد. بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد».

در متن این ماده نیز «منشأ واحد» سبب مقابله دعوی دانسته شده است که در حقوق آمریکا موجب اجباری شدن دعوی متقابل از سوی خوانده می‌شود. بنابراین، ضرورت دارد که اثر این قید در دو دعوی اصلی و متقابل بررسی شود تا معلوم شود که آیا در حقوق ایران نیز مانند حقوق آمریکا، وحدت منشأ میان دعوی اصلی و تقابل سبب اجباری شدن دعوی متقابل خواهد شد یا خیر؟ بنابراین، در ادامه ضمن تشریح نظرات نویسندگان حقوقی در خصوص توجیح قید «وحدت منشأ» در ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی، مسئله ضرورت اقامه دعوی متقابل و اثر عدم انجام این اقدام از سوی خوانده مطالعه خواهد شد.

۲. کارکرد منشأ واحد دعوی در دعوی تقابل

۱-۲. نقش وحدت منشأ در دعوی تقابل

بر خلاف حقوق آمریکا که یکی بودن منشأ دو دعوی اصلی و متقابل سبب اصلی رسیدگی توأمان و حتی اجباری شدن اقامه دعوی متقابل از سوی خوانده می‌شود، در حقوق ایران برخی از حقوقدانان قید وحدت منشأ در ماده ۱۴۱ را زاید می‌دانند و معتقدند تنها وجود ارتباط کامل بین دو دعوی اصلی و تقابل ضرورت دارد و قید وحدت منشأ در متن ماده ۱۴۱ تنها به جهت غلبه است. (غمامی، ۱۳۸۳: ۲۴۴-۲۲۵؛ واحدی، ۱۳۷۰: ۲۱-۶) این گروه در اثبات نظر خود استدلال می‌کنند که از یک سو مبنای تجویز طرح دعوی متقابل، جلوگیری از صدور احکام متناقض است و این مبنا تنها در فرضی حاصل می‌شود که

۱. رأی شماره ۳۷۷-۱۴۷۷۵ مورخ ۱۳۱۷/۳/۲۴ شعبه حقوقی دیوان، احمد متین‌دفتری، مجموعه رویه قضایی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۰ به نقل از غمامی، مجید، منبع پیشین.

وحدت سبب و وحدت موضوع. سبب عبارت است از عمل یا واقعه حقوقی که مبنا و اساس حق مورد مطالبه را تشکیل می‌دهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۵۲) به عبارت دیگر، سبب همان منشأ دعوا است. (شمس، ۱۳۸۶: ۴۶۵) با تحقق شرایط فوق دعوای جدید از سوی طرفین پذیرفته نمی‌شود. بنابراین برای پرهیز از این مانع طرفین باید پیش از صدور رأی قطعی، دعوای خود را مطرح نمایند. حال باید دید که آیا شرایط فوق در خصوص دعوای متقابلی که ناشی از منشأ دعوای اصلی است، هم محقق می‌شود؟ بررسی و تأمل در پرسش فوق حاکی از آن است که در دعوای متقابلی که عدم طرح آن با عنوان دعوای متقابل موجب عدم استماع آن در آینده به جهت برخورد با قاعده اعتبار امر مختومه می‌شود، ضرورت وجود دو شرط وحدت سبب و وحدت اصحاب دعوا مسلم است؛ زیرا از یک سو، تنها خواننده دعوای اصلی است که می‌تواند در برابر دعوای خواهان اقامه دعوای متقابل کند و اقامه دعوای متقابل از سوی خواننده دعوای اصلی از شروط اساسی متقابل بودن است (همان: ۴۶۷-۴۶۵) و از سوی دیگر وجود وحدت منشأ بین دعوای اصلی و متقابل یکی از شرایط اصلی در دعوای طاری است و بدون وجود وحدت منشأ طرح دعوای تقابل به عنوان یک دعوای طاری ممکن نخواهد بود.

پس از احراز وجود وحدت اصحاب دعوا و وحدت سبب (منشأ) فی مابین دعوای اصلی و تقابل، تنها یکی بودن موضوع دو دعوای اصلی و تقابل مستلزم احراز است تا صدور حکم در دعوای اصلی، طرح دعوای متقابل به صورت مستقل را در آینده با ایراد امر مختومه مواجه سازد. حال پرسش اساسی این است آیا در دعوای ناشی از یک منشأ، موضوع آن دعوای هم امری واحد است؟ که تنها یک بار باید مورد قضاوت قرار گیرد و اقامه مجدد آن مواجه با ایراد امر مختومه و صدور قرار رد خواهد شد (بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی) یا اینکه با وجود یکسانی منشأ، موضوعات دعوای اصلی و متقابل می‌توانند متفاوت و مستقل باشند؟ به عبارت دیگر، تشخیص یگانگی موضوع دو دعوا و چگونگی این تشخیص واجد اهمیت بوده و تعیین کننده است و اگر موضوع دعوای اصلی و متقابل یکسان باشند، طرح دعوای متقابل در آینده به هیچ شکلی ممکن نخواهد بود.

معیار تشخیص یگانگی یا تعدد موضوعات دعوای اصلی و متقابل در رابطه بین احکام صادره در این موضوعات نهفته است؛ بدین معنی که هرگاه با صدور حکم در دعوای اصلی، زمینه‌ای برای رسیدگی به ادعای جدید نمانده باشد یا موضوع

دعوای جدید سابقاً مورد اثبات یا نفی قرار گرفته باشد، موضوع دو دعوا یکی تلقی می‌شود و مجرای قاعده اعتبار امر مختومه خواهد بود. به عنوان مثال پذیرش خواسته خواهان مبنی بر الزام خواننده به تنظیم سند رسمی یا تسلیم مبیع یا پرداخت ثمن، ملازمه با رسیدگی به اعتبار قرارداد منشأ ادعا و احراز صحت و نفوذ آن و به تبع آن رد هر گونه ادعایی متناقض با آن است. بنابراین در این گونه موارد، ادعای مخالف در صورت طرح از سوی خواننده - خواه به صورت دادخواست، خواه در قالب دفاع - مورد رسیدگی واقع می‌شود، لیکن در صورت عدم طرح از سوی خواننده در آینده و پس از صدور حکم توسط دادگاه، قابلیت استماع خود را از دست می‌دهد؛ چراکه رسیدگی به آن مستلزم رسیدگی مجدد به دعوایی مختومه است که مخالف مقررات امره (بند ۶ ماده ۸۴ ق.آ.د.م.) می‌باشد.

بر این اساس دعوای بی‌اعتباری قرارداد موضوع دعوای مثال مذکور همچون فسخ و بطلان باید در همان پرونده مطرح شوند، والا مواجه با قاعده اعتبار امر مختومه خواهند شد. (نهرینی، ۱۳۹۲: ۲۳۵) همچنین برای مثال اگر در جریان دعوای مطالبه طلب، اصالت و اعتبار سند منشأ دین مورد رسیدگی قرار گیرد، تمامی دعوای مربوط به آثار آن سند مواجه با اعتبار امر مختوم خواهند بود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۵۲) و یا اگر کسی به عنوان مالک یک قطعه زمین، بر متصرف آن اقامه دعوا کند و خلع ید و اجرت‌المثل بخواهد، حکم صادره درباره مالکیت نیز واجد اعتبار امر مختومه می‌شود؛ زیرا مبنای پذیرش دعوای خلع ید و اجرت‌المثل خواهان، اعتبار دادن به مالکیت است.^۱

صرف نظر از اینکه گاهی تعیین دقیق نتایج حکم و آنچه که مانع اقامه آن در آینده می‌شود، دشوار است و در آرای صادره از دادگاه‌های آمریکا نیز تشتت دیده می‌شود (Clermont, 2004: 1745-1760)؛ لیکن در این موارد خواننده دعوا برای احتراز، از معضل ناشی از قاعده اعتبار امر

۱. رأی شماره ۳۷۴۶ - ۱۳۳۸/۸/۲ صادره از دیوان عالی کشور نیز مؤید این امر است که خواننده باید تمامی دفاعیات متناسب با موضوع دعوا را ارائه نماید که از جمله این دفاعیات می‌تواند دعوای متقابل باشد. موضوع این رأی بدین گونه بوده است که ابتدا اشخاصی علیه دولت به ادعای مالکیت زمین‌های مورد تصرف شاه اقامه دعوا کردند و دولت به قائم‌مقامی شاه دفاع کرد. هیأت رسیدگی به املاک و اگذاری حکم به مالکیت مدعیان صادر کرد. سپس اشخاص به استناد همین آرای هیأت تقاضای ثبت آن اراضی را کردند و دولت به این جهت که این اراضی خالصه هستند، به ثبت اعتراض کرد و پس از صدور آرای متعارض در خصوص مورد، رأی وحدت رویه موصوف صادر شد.

علاوه بر رد خواسته خواهان اصلی، در غالب موارد کارکرد اثباتی و تهاجمی نیز دارد. در آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا اقامه دعوی متقابلی که از همان منشأ دعوی خواهان اصلی ناشی شده باشد، اجباری دانسته شده است. ضمانت اجرای چنین الزامی این است که موضوع دعوی متقابل به واسطه صدور رأی در دعوی اصلی مشمول اعتبار امر مختومه شده و در نتیجه، پذیرش موضوع دعوی تقابل در آینده به صورت مستقل امکان پذیر نخواهد بود. این مقرر از سوی اکثر ایالت‌های آمریکا مورد پذیرش قرار گرفته است و کمتر از ۱۰ ایالت آن چنین الزامی را در نصوص قانونی خود ندارند.

در ایران بسیاری از نویسندگان حقوقی بر پایه ظاهر برخی مواد قانونی از جمله ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی، توسل به دعوی متقابل را حقی برای خواهان می‌دانند و اجبار و تکلیفی برای وی در طرح دعوی متقابل خود در همان پرونده-ای که به ابتکار خواهان اصلی آغاز شده، قائل نیستند.

در حقوق ایران نص صریحی مبنی بر اجباری بودن اقامه دعوی متقابل و عدم استماع آن به صورت مستقل در آینده و شمول قاعده اعتبار امر مختومه وجود ندارد. بر این اساس اجباری تلقی کردن طرح دعوی تقابل صرفاً در صورتی قابل پذیرش است که عدم طرح آن، موضوع دعوی تقابل را در آینده، مشمول قاعده اعتبار امر مختومه نماید. بررسی و تحلیل شرایط اعمال قاعده اعتبار امر مختومه حاکی از آن است که وجود سه شرط وحدت سبب، وحدت اصحاب دعوا و وحدت موضوع برای شمول این قاعده ضروری است که در یک دعوی تقابل وجود دو شرط وحدت سبب و وحدت اصحاب دعوا مفروض و مسلم است و از سوی دیگر در قالب موارد به تبع وجود وحدت سبب و منشأ بین دعوی اصلی و دعوی تقابل، وحدت موضوع نیز حاکم است؛ به نحوی که با صدور رأی در دعوی خواهان اصلی، ادعاهای متقابل خوانده نیز مشمول اعتبار امر مختومه شده و قابلیت طرح در آینده را نخواهد داشت. بر این اساس تصریح قانونگذار به ضرورت وجود وحدت منشأ بین دعوی اصلی و تقابل در ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی، بر خلاف نظر بسیاری از نویسندگان حقوقی که وجود آن در متن ماده ۱۴۱ را زائد دانسته‌اند، نه تنها زائد نیست، بلکه یکی از اسباب و مقدمات تعمیم قاعده اعتبار امر مختومه بوده که مبین اجباری بودن طرح دعوی تقابل در مواردی است که دعوی متقابل با دعوی اصلی واجد منشأ واحد هستند. بنابراین، در صورتی که منشأ هر دو دعوا یکی باشد و خوانده در دفاع خود اقامه دعوی متقابل ننماید، تصمیم دادگاه در

مختوم باید همه دعوی ناشی از مبنای دعوی اصلی را به عنوان دعوی متقابل اقامه نماید. این ضرورت با نظر به لزوم درج قید وحدت منشأ در ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیز مطابقت دارد؛ زیرا اگر دعوی ناشی از یک منشأ به طور جداگانه مورد رسیدگی قرار گیرند، چه بسا احکام متناقضی در خصوص سبب یا منشأ دعوا صادر شود. پس نظر حقوقدانان مبنی بر اینکه فلسفه دعوی متقابل، اجتناب از صدور احکام متناقض است، در دعوی ناشی از منشأ واحد نیز حاصل است.

بنابراین در خصوص اهمیت قید «منشأ واحد» در ماده ۱۴۱ باید این قید را واجد کارایی مؤثر و معنادار دانست و به کارگیری هر دو قید از سوی مقنن را حکیمانه فرض نمود؛ زیرا در مواردی که وحدت منشأ وجود دارد نیز مبنای عقلی پذیرش دعوی متقابل و رسیدگی توأمان وجود دارد. برای مثال تصمیم در خصوص وجود صحت، بطلان عقد اجاره یا شروط مندرج در آن مؤثر در تصمیم دادگاه در راستای پذیرش یا رد دعوی تخلیه یا هزینه تعمیرات اساسی است.^۱

در شمول اعتبار امر مختوم نسبت به دعوی سه شرط وحدت موضوع، وحدت اصحاب و وحدت سبب ضروری است. اکثر حقوقدانان سبب دعوا را همان منشأ آن می‌دانند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۵۲؛ شمس، ۱۳۸۶: ۴۶۵؛ احمدی، ۱۳۹۴: ۶۶-۳۲) بنابراین، در حقوق ایران نیز پس از صدور رأیی که واجد اثر اعتبار امر مختوم است، تمامی دعوی ناشی از منشأ دعوی موضوع آن رأی در آینده مسموم نخواهند بود. هر چند در حال حاضر این گونه دعوی از سوی دادگاه‌ها پذیرفته می‌شود، اما اولاً این رویه مطابق با آنچه در این مقاله ارائه شید، به جهت احتمال صدور آرای متناقض از نظر نگارنده قابل انتقاد است و ثانیاً در رویه کنونی نیز نمی‌توان اثر رأی سابق‌الصدور را بر دادرسی‌های ناشی از منشأ آن انکار کرد و عدم تبعیت از مفاد رأی سابق‌الصدور احتمالاً منجر به صدور رأیی متناقض با آن خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

دعوی متقابل یکی از شیوه‌های دفاعی است که به اقتضای اصل حق دفاع در اختیار خوانده قرار دارد. این طریقه دفاعی

۱. مثال دیگر: اگر خواسته دعوی اصلی مطالبه مهریه و خواسته دعوی متقابل تمکین باشد، رسیدگی و تصمیم دادگاه منوط به احراز رابطه زوجیت است. جهت احتراز از تصمیمات متناقض در این رابطه، رسیدگی توأمان در قالب دعوی متقابل ضرورت دارد.

دعوای متقابل در حقوق ایران». نشریه آموزه‌های حقوقی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۴، صص ۱۲۸-۱۱۵. شمس، عبدالله (۱۳۸۶). *آیین دادرسی مدنی*. ج ۱. تهران: درآگ. غمامی، مجید (۱۳۸۳). «دعوای متقابل». حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، صص ۲۴۴-۲۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *اعتبار امر قضاوت‌شده*. چاپ هفتم. تهران: میزان.

متین‌دفتری، احمد (۱۳۷۶). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*. ج ۱. تهران: آیدا.

محبی، محسن؛ آذری، هادی (۱۳۹۵). «دعوای متقابل در دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، دستاورد قرار ۲ نوامبر ۲۰۱۲ در قضیه کشتی ویرجینیا جی (پاناما/گینه بیسائو)». *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۵، صص ۳۱-۵۲. نهرینی، فریدون (۱۳۹۲). *ایستایی اجرای حکم دادگاه*. چاپ اول. تهران: گنج دانش.

واحدی، جواد (۱۳۷۰). «دعوای متقابل». *مجله حقوقی و قضایی دادگستری*، شماره ۲.

خصوص عمل یا واقعه حقوقی منشأ اختلافات تحت حمایت قاعده اعتبار امر قضاوت شده قرار می‌گیرد و خواننده اصلی نمی‌تواند خواسته‌ای مغایر با تصمیم متخذ در دعوای خواهان اصلی مطرح کند. بنابراین هر چند که نصی بر ضرورت طرح همه دعوای ناشی از منشأ واحد به طور همزمان وجود ندارد، لیکن همان نتیجه منصوص در ماده (a) ۱۳ آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا مبنی بر اجباری بودن دعوای تقابل، در حقوق ایران نیز جریان دارد.

منابع

احمدی، خلیل (۱۳۹۴). «مفهوم و آثار عبارات «ارتباط کامل داشتن»، «منوط بودن»، «مربوط بودن» و «هم‌منشأ بودن» دعوای در قانون آیین دادرسی مدنی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۶۹، صص ۳۲-۶۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ بیستم. تهران: انتشارات گنج دانش.

حسینی علیرضا؛ بشیری، محسن (۱۳۸۹). «مقایسه تهاوتر با

Antonopoulos, C. (2011). *The Concept of Counterclaim Before the International Court of Justice*. Asser press. Hague, the Netherlands.

Bilyeu Oakley, John, J.; Amar, Vikram (2009). *American Civil Procedure: A Guide to Civil Adjudication In US Courts*. Kluwer Law International Publishing. The Netherland.

Campbell Black, H. (1968). *Black's law dictionary*. (4th ed). West publishing Company.

Canby Jr, William (2015). *American Indian law in a Nutshell*. 6th. United States: West Academic publishing.

Clermont, Kevin M. (2004). "Common-Law Compulsory CounterClaim Rule: Creating Effective and elegant Res Judicata Doctrine". *Notr dame Law Review*, Vol. 79.5, pp. 1745-1760.

Darbee, R. (2010). *Personal Jurisdiction as a Defense to the Enforcement of Foreign Arbitral Awards*. McGeorge Law Review , Vol. 41.

Emanuel, Steven, L. (2008). *Civil Procedure*. (4th edition). New York: ASPEN Publishers

Fletcher, G.; Sheppard, S. (2005). *American Law in a Global Context. The Basics*. New York: Oxford University press.

Friedenthal, J. et.al. (1985). *Civil procedure*. West Publishing. New York: The United State of America. P. 348-349.

Loughlin, P.; Gerlis, S. (2004). *civil procedure*. (2nd Ed). Cavendish publishing. London: Great Britain.

McFarland, Douglas (2007). "In Search of the Transaction or Occurrence: Counterclaims". *Creighton Law Review*, Vol. 40, pp. 699-732.

Peterson, Todd David (2008). "The Misguided Law of compulsory counterclaims in default cases available". *Arizona Law Review*, Vol. 50:1107, pp. 1107 – 1146.

R.Orr, Justin (2013). "Patent Aggregation: Models, Harms and the Limited Role

- of Antitrust". *Berkeley Technology Law Journal*, Vol. 28:525.
- Riano, William B. (2005). *Fundamentals of Civil Procedure*. Philippines, Rex Printing Company.
- Richardson, E.; Milton, R. (1998). *Civil Litigation for Paralegals*. (2nd ed). West Publishing. New York: The United State of America.
- Segal, Jeffrey A.; Speath, Harold J. and Benesh, Sara C. (2005). *The Supreme Court in the American legal System*. New York: Cambridge University Press.
- Taruffo, M.; Hazard G. (1993). *American civil procedure*. Yale University Press. New York: United States.
- The American Law Institute (2006). *Principles and Rules of Transnational Civil Procedures*. New York: Cambridge University Press.

COPYRIGHTS



©2021- 2022 by the Authors. Lisensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)

